

نمی شود. شاید همین بی توجهی عاملی بوده است که شکل‌گیری تصویر واحدی از خوشنویسی را همان طور که مستقیماً زاده به آن اشاره می‌کند، ناممکن ساخته است.

از نکات ارزشمند کار مستقیم‌زاده، اهمیت دادن
و به رابطه‌ی استاد و شاگرد بوده که امری حیاتی در
رشد و انتقال این هنر اصیل به شمار رفته است.
مستقیم‌زاده همواره بر نقش استاد خود آقامحمد راسم
بزرگ (متوفی ۱۷۵۵) که تأکید عمده‌ای بر اصول و
روش کار داشت اشاره می‌کند. چرا که وی با
قاعده‌مند کردن روش، که هم مرحله‌ی فنی و هم
مرحله‌ی خلاقیتی را در بر می‌گیرد و براساس این
اصول نیز حروف شکل می‌یابند، نقش به سزاگی در
تحلول و تکامل خوشنویسی ایفا کرده است. بنابراین
نقش یک معلم و استاد در یک برنامه آموزشی امری
محرز است و سبک آموزشی براساس انتقال حضوری
ز استاد به شاگرد، تجربه و تأیید و تکمیل شده است
و سابقه‌ای طولانی دارد.

در این میان معلم تنها به دنبال کارایی و استعداد خوشنویسی شاگردش نبوده، بلکه، اساس کار بیشتر بر استعداد شاگرد در یادگیری بوده است. شاگرد می‌باشد با شرایط و نحوه‌ی آموزش و چگونگی تنقیل این دانش آشنا می‌شد و مرحله جدید همواره پس از اتمام و یادگیری صحیح مرحله‌ی پیشین شروع می‌شد. اهمیت نحوه‌ی شروع یادگیری، در شیوه و روش کار استاد محمود سلال الدین (متوفی ۱۸۲۹) نیز به جشم می‌خورد.

احترام و انصباط دو اصل عمده در رابطه ای استاد و شاگرد بود و در این ميان شاگرد بخشی از يك زنجيره ای طولاني در انتقال هنر خوشنوسي به شمار می رفت، زنجيره ای که به استاداني چون شیخ حمدالله یاقوت مستعصمی، ابن بوآب و ابن مقله می رسید. البته اين رابطه می توانست براساس روش سليقه ای استاد متغير باشد، که از آن جمله کار و سليقه ای استاد حافظ عثمان (متوفی ۱۶۹۸) می توان به روش خاص حافظ عثمان که از شاهره کرد. وی دو شب در طی هفته به کسانی که از نوانایی کافی برای پرداخت حق الزحمه استاد برخوردار بودند، آموزش می داد و در عین حال در تدریس به شاهزادگان عثمانی نیز فعال بود. استاداني هم بوده اند که به آسانی در دسترس نبوده اند که می توان به عبدالله امیسی اشاره داشت که عمدی وقت خود را در سردايه ای صرف می کرد و از طریق دریچه ای که در سقف آن وجود داشت به شاگردانش آموزش می داد.

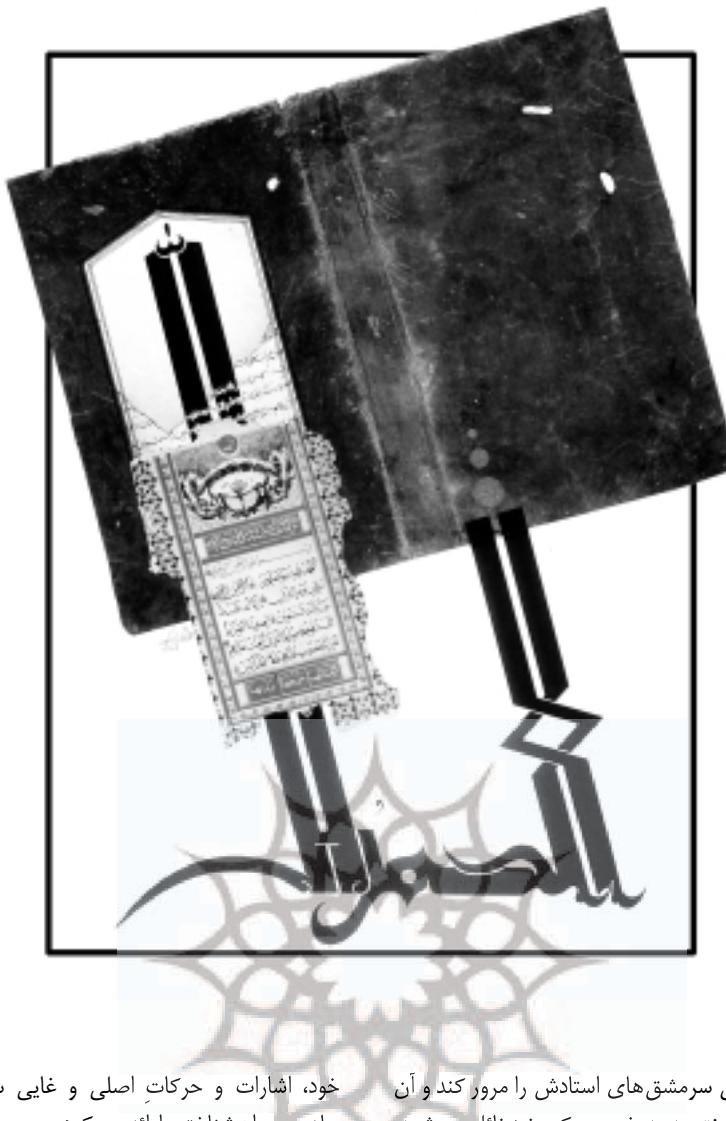
کاتبان قرآن

Qur'an Scribes
Oxford University, London
Reprinted, 2000

زبان به وجود آمده است تا ارزشمندترین و گرانبهاترین هنر بشري باشد. از زمان حضرت محمد(ص) که زبان عربی با اسلام پیوند خورد و از زمانی که قرآن برای نخستین بار به تحریر درآمد، نقشی عمده در تکامل و توسعه خط عربی داشته و در این میان خوشنویسی در جهان اسلام از جایگاه والای برخوردار شده است.

در میان مسلمانان، خوشنویسی بیانگر میراث ادبی زبان عربی است که باتفاق کتابان مسلمان، هنری سرشوار از زیبایی را اوانه داده است. شناخت و فهم خوشنویسی نیاز به چشم بصیرت دارد چرا که جاذبه‌های خوشنویسی آشکارا به بینندگی تماشیار نشان داده نمی‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد احترام نسبت به کتاب در فرهنگ اسلامی همواره می‌باشد زنده بماند.

استادی در خوشنویسی، نه تنها نیازمند توسعه‌ی مهارت فنی است، بلکه نیازمند تعهد و اخلاق و شخصیت خطاول است. چنان‌چه در آثار خوشنویسان عثمانی از جمله در کتاب «تحفه خوشنویسان» اثر مستقیم زاده (سلیمان سـالـدـلـیـن اـفـنـدـی، متوفی ۱۷۸۷) در سال ۱۷۵۹ به چشم می‌خورد. مستقیم زاده با سادگی و بدون استفاده از واژه‌های نامتعارف و نامفهوم می‌نوشت. وی خوشنویسی را نوعی کارآمدی و توانایی عقلی و اخلاقی می‌دانست. چنان‌که در مورد صفات خوشنویس معتقد است که یک خوشنویس باید از خلق و خوبی و روحیه‌ای پاک برخوردار باشد. در واقع خوشنویسی یک ابزار اخلاقی است که متأسفانه امروزه توجهی جدی به این ویژگی‌ها



می گوید: دلیل محتاط بودن
و خاموش بودن شیخ این بود
که نمی خواست دیگران هم
آن را بدانند به جز برای
کسانی که وی دوست داشت
این رمز را - که برای تبیین
حکمت در ورای زبان لازم
بود - به آنها بگوید.

همین نکته بود که
اسرار این خطوط را بیشتر
می کرد. ابن بوآب در سخنان

خود، اشارات و حرکات اصلی و غایی سخاوت را براساس یک طرح
ساده‌ی روان‌شناختی ارائه می کرد. وی علاقه و پشتکار شاگرد را با دریغ
کردن دانش از او برمی انگیخت.
در نزد خوشنویس مسلمان روش و اصول ادغام می شوند تا یک
روش زندگی هنری و آموزشی را شکل دهند. این شیوه دو پیامد متمایز
دارد: یک جنبه‌ی معنایی که نقش یا وظیفه کلمات نوشته شده را بازگو
می کند و نقش دوم خطی است که این کلمات بدان نوشته می شوند. این
دو ممکن است از نظر برتری ذاتی با هم متفاوت باشند، اما همین که با
یکدیگر ادغام می شوند، توانایی خوشنویسان مسلمان را پایه‌گذاری
می کنند.

نمونه‌های موجود در این اثر بیشتر براساس منطقه جغرافیایی و
دوران تاریخی تنظیم نشده‌اند، بلکه براساس درون مایه‌شان سازماندهی
شده‌اند.

فصل اول کتاب کاتبان قرآن، به آموزش و تعلیم فنون خوشنویسی
پرداخته و نمونه‌هایی از مفرادات، رسم‌المشق‌ها ... ارائه می شود. در
فصل دوم کتاب‌ها و آثار مربوط به خوشنویسی و حتی آثار خوشنویسانی
که تبحر چندانی نیز نداشته‌اند معرفی می شوند که به صورت آلیوم
مرقعات / لوح‌ها ... گردآوری شده‌اند. در این فصل حلیه‌ها نیز مورد
بررسی قرار می گیرد.

در فصل آخر نیز به حوزه‌های تخصصی‌تر خط و خوشنویسی توجه
شده و به خطهای غبار یا مینیاتوری، راقع ... پرداخته شده است.

اما درباره درک و
شناخت معنای برکت
(عنایت خیرخواهانه)،
مستقیم‌زاده، در کتابش به
چگونگی بهره‌مندی شاگرد
از این عنایت اشاره می کند.
وی می گوید شاگردی که در
پی رسیدن به کمال است،
باید پیش از شروع به
خوشنویسی از صمیم قلب
در پی عنایت استادش باشد
و سوره الفاتحه را بخواند و سپس سرمشق‌های استادش را مرور کند و آن
گاه به خوشنویسی بپردازد که در نتیجه به خیر و برکت نیز نائل می شود.
وی معتقد بود که برای این کار ابتدا باید قلمی نو را تیز و باریک کرد و
نوک آن را برای خط ثلث تراشید و قلمی دیگر را برای خط نسخ. حال
این قلم نو را باید در ورقه‌ای کاغذی قرار داد و با عبادت و استغفار آن را
در زمینی به عمق دو انگشت در نزدیکی قبر استاد دفن کرد. این کار باید
در شب جمعه صورت گیرد و یک هفتنه نیز به طول بیانجامد و سپس در
همان زمانی که دفن شده آن را خارج ساخت. در ابتدا شاگرد باید تنها یک
خط از تکلیف استاد را با این قلم بنویسد، که این کار در جهت نیل به خیر
و برکت استاد است و بعد می تواند تکلیف را با قلم دیگری انجام دهد.
گفتنی است یکی از مراحل مهم در امر خوشنویسی تراشیدن سرقلم
بود، کاری پر رمز و راز. در سخنان ابن رومی (متوفی ۸۹۷) آمده است
که: «حكم الہی چنین است، که هرگاه قلم تراشیده شود و نوک آن تیز
گردد، شمشیر را
در واقع از آنجایی که تراشیدن سرقلم، سبک خط را مشخص
می کرد، یکی از رموز خوشنویسی به حساب می آمد. ابن بوآب نیز در شعر
معروفش که در آن هریت به لفظ راع ختم می شود، می گوید:
درباره‌ی فن تراشیدن سر قلم حریص مباش! من اختلافات
جزئی اش را نیز فاش نخواهم کرد و اسرارش را برای همیشه محفوظ
خواهم داشت.
ابن وحید، خوشنویس سوری قرن سیزدهم نیز در مورد این شعر